افق حوزه

• سال بیست و یکم
• شماره ۷۴۷
• دوشنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۱
• ۱۲ صفحه • ۳۰۰۰ تومان

Ofogh-e Hawzah Weekly

• صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
• مدیر مسئول: محمدرضا برته
• سردبیر: رمضانعلی عزیزی
• با همکاری هیأت تحریریه
• تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ • نمابر: ۳۲۹۰۱۵۲۳ • صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱
• نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵
• پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir
• پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir
• امور هنری: سید امیر سجادی
• کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵

در محضر نور

امام جعفر صادق علیه‌السلام

الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ وَ حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَنْ لَا يَشْبَعَ وَ يَجُوعُ أَخُوهُ وَ لَا يَرْوَى وَ يَعْطَشُ أَخُوهُ وَ لَا يُكْسَى وَ يَعْرَى أَخُوهُ فَمَا أَعْظَمَ حَقَّ الْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ.

مسلمان برادر مسلمان است و حق مسلمان بر برادر مسلمانش این است که اگر برادرش گرسنه باشد، سیر نخورد و اگر برادرش تشنه است سیراب نشود و هر گاه برادرش جامه ندارد، جامه (زیادی) نپوشد، پس حقّ مسلمان بر برادر مسلمان خود، چه حقّ بزرگی است.

بحار الأنوار ج۷۱، ص۲۲۱

سخن بزرگان

امام خمینی قدس‌سره

به همه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می‌کنم که خیر دنیا و آخرت شماها رسیدگی به حال محرومان جامعه است که در طول تاریخ ستمشاهی و خان خانی در رنج و زحمت بوده اند. و چه نیکو است که طبقات تمکن‌دار به‌طور داوطلب برای زاغه و چپرنشینان مسکن و رفاه تهیه کنند و مطمئن باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است و از انصاف به دور است که یکی بی‌خانمان و یکی دارای آپارتمان‌ها باشد.

وصیت‌نامه امام خمینی قدس‌سره

هشت نکته کلیدی درباره پاسخ به شبهات

آیت‌الله سیداحمد خاتمی

آنچه که پیش روی دارید، سخنان آیت‌الله سیداحمد خاتمی عضو شورای‌عالی حوزه‌های علمیه، با موضوع مباحثی در مورد پاسخ‌گویی به پرسش‌هاست.
در این سخنان، مباحثی همچون ارزش بالای پاسخ به شبهات، مطلوب بودن پرسش، ادبیات و انگیزه پرسش و لزوم تخصصی بودن پاسخ‌ها، مورد توجه قرار گرفته است.

• ۱. مطلوب بودن پرسش

مطلب او اینکه قرآن و روایات ما پرسیدن در حوزه دین را یک فضیلت و ارزش می‌دانند. پانزده بار در قرآن کلمه «یسئلونک» آمده است و در هیچ‌یک از این‌ها نهی نیامده است؛ بلکه با پاسخی که داده است، از این سؤال و پرسش تجلیل کرده است. یک مورد ما نداریم که مورد توبیخ و نهی قرار داده باشد.

بله سؤالات لجبازانه را مورد نکوهش قرار داده‌اند؛ سؤالاتی که برخی می‌پرسیدند؛ مثلاً چند تار مو روی سر من است، این سؤالات مورد توبیخ است؛ این‌گونه سؤالات فرصت‌سوزی است.

روایتی از کتاب میزان‌الحکمه در باب سؤال می‌خوانم. روایات زیادی در آن است. نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «العلم خزائن و مفتاحه السؤال؛ فاسألوا یرحمکم الله فانه یوجر فیه اربعة السائل والمعلم والمستمع والمحب لهم» (میزان‌الحکمه، محمد ری‌شهری، ج ۱، ص ۱۲۱۶) حتی والمحب لهم هم مورد اجر و پاداش واقع شده است.

سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام هم این بوده است که از کسی که آمده است سؤال کند، تجلیل می‌کردند. حالا اگر دوستان در حاشیه کار خودشان به جمع‌آوری این روایاتی بپردازند که «سُئِل» دارد، یک کتاب قطور می‌شود. البته بخش اعتقادی آن، چه‌بسا از بخش احکامی آن کمتر باشد.

در کتاب سفینة‌البحار ذیل کلمه «سَأَل» وارد شده است: «جاء رجل الی امیرالمؤمنین علیه‌السلام فقال جئتک لأسال أن اربع مسائل»؛ چهارتا سؤال بیشتر ندارم. فقال علیه‌السلام: سل و إن کان اربعین چهل تا باشد، چه اشکالی دارد. فقال اخبرنی ماالصعب و ماالأصعب؟ سخت کدام است و سخت‌ترین کدام است؟ وماالقریب وماالأقرب؟ قریب کدام است؟ اقرب کدام است؟ وماالعجب وماالأعجب؟ تعجب بر سر چیست و تعجب بیشتر برای کجاست؟ وماالواجب وماالأوجب؟ فقال علیه‌السلام: الصعب المعصیة والأصعب فوت ثوابها؛ ترک گناه سخت‌تر است. والتقریب کل ما هو آت؛ قریب هر چیزی است که به سراغ شما می‌آید، والاقرب هو الموت. والعجب هو الدنیا؛ آنکه مورد تعجب است، دنیا و جلوه‌های دنیاست و غفلتنا فیه اعجب؛ غفلت ما از اینکه این دنیا ماندگار نیست، تعجب آن بیشتر است. والواجب هو التوبة وترک الذنوب هو الأوجب؛ آدم اصلاً گناه نکند که نیازی به توبه داشته باشد. (شیخ عباس قمی، سفینة‌البحار و مدینه‌الحکم، ج ۴، ص ۲۰) چند تا روایت دیگر هم در این عرصه مرحوم شیخ عباس قمی آورده است.

• ۲. ادبیات و انگیزه پرسش

مطلب دوم ادبیات پرسش است. ادبیات هم خیلی مهم است. در چند روایت در غررالحکم و نهج‌البلاغه و جاهای دیگر آمده که مولا علی علیه‌السلام فرمود: «اذا سئلت فاسئل تفقها»؛ ادبیات پرسش و پاسخ، چه مجلس پرسش و پاسخ، چه سؤال اینترنتی و چه سؤال فضای مجازی، بایستی با انگیزه فهم باشد «و لاتسأل تعنتاً»؛ سؤال نکن برای به زحمت انداختن پاسخ‌دهنده (التمیمی الآمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۹۲)؛ همه جا این‌گونه پرسیدن هست، کم هم نیست.

در یک جلسه‌ای برای پرسش و پاسخ، جوانی به‌بهانه پرسش بلند شد و به طرف جمعیت مشغول سخنرانی شد. این سوء استفاده از جلسه پرسش و پاسخ است. کسی که در صدد فهم است، یک دقیقه دو دقیقه حرف خودش را می‌زند و آماده شنیدن پاسخ می‌شود. در چنین جاهایی خیلی محترمانه اگر مجلس پرسش و پاسخ است، باید سکوت کرد. طرف خود به خود رها خواهد کرد؛ یا اگر کسی پشت تلفن نمی‌خواهد حقیقت را بفهمد، مراء (ایراد و اعتراض به سخن دیگری) می‌کند. بهترین جواب خداحافظ گفتن و بگو مگو نکردن است. پس شما که در عرصه پرسش و پاسخ هستید، به این ادبیات هم باید توجه داشته باشید که این ادبیات در گذشته‌ها هم بوده است.

• ۳. شجاعت گفتن «نمی‌دانم»

پاسخ‌دهنده باید شجاعت گفتن نمی‌دانم را هم داشته باشد. یکی از شاگردان مرحوم علامه طباطبایی یعنی مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی گفت: من سی‌سال شاگرد علامه رحمه‌الله بودم. در این سی‌سال، ده‌ها بار از ایشان کلمه نمی‌دانم را شنیدم؛ اما ایشان می‌گفت: یک بار من از ایشان کلمه من را نشنیدم؛ این کمال بزرگ و برجسته‌ای است.

مولا علی علیه‌السلام فرمود: «قول لا اعلم، نصف العلم» (التمیمی الآمدی، غررالحکم: ح ۶۷۵۸)؛ گفتن نمی‌دانم، نصف دانش است. همچنین فرمود: «لایستحیی العالم اذا سئل عما لایعلم ان‌یقول لا علم لی به» (البرقی، المحاسن، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۶۶۴)؛ خجالت نکشد از اینکه جواب سؤالی را نمی‌داند، بگوید نمی‌دانم. این خودش یک شجاعت ستودنی است. «من ترک قول لا ادری اُصیبت مقاتله» (نهج‌البلاغه، حکمت ۸۵)؛ هر کس که جمله نمی‌دانم را ترک بگوید، خودش را به کشتن داده است.

البته پرسش و پاسخ‌های تلفنی با جلسه پرسش و پاسخ حضوری متفاوت است. اگر جلسه با عنوان پرسش و پاسخ ترتیب دادید، روز قبل سؤالات را نوشته و تنظیم کنید و تنوع سؤالی؛ مثلا یک سؤال اعتقادی، یک سؤال احکامی، سؤال اخلاقی و سؤال سیاسی داشته باشد. تنوع سؤالات مستمع را میخ‌کوب خواهد کرد؛ هم پاسخ به سؤالات خودش را گرفته است و هم یک‌نواخت نیست. فایده آن هم این است که اگر پاسخ سؤالی را نمی‌دانستید، تلفن می‌زنید به آن کسی که می‌داند و از او پاسخ را می‌گیرید.

شما نگاه کنید شخصیتی مثل حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی که در برخی مسائل سیاسی و دینی، می‌پرسد: این مسئله پرسیده شده است. زنگ می‌زند و می‌گوید: من چه بگویم؟ این نشان‌دهنده بزرگی این مرد است. عیب نیست که از یک طلبه که روزی در کلاس او شرکت کرده است، بپرسد. همین آخرین خطبه‌ای را که در نماز جمعه خواندم، خطبه ۱۹۳ بود.. با کسانی مشورت می‌کنم که خودشان می‌گویند: ما دوبار خطبه‌های تو را گوش می‌کنیم؛ یک بار مشورت می‌کنی و می‌گویی چه بگویم؟ یکی هم خطبه‌های توست؛ هیچ دون شأن نیست که سروران عزیز به‌خصوص در مسائل سیاسی و به‌خصوص با این رصدی که فضای مجازی دارد، از اهل علم و متخصص در مسائل مختلف سؤال کنید؛ چون گسترش مسائل باعث شده روی واژه واژه شما در پاسخگویی حساب کنند. اگر جواب سؤالی را نمی‌دانستید، بگویید که پاسخ به این سؤال شما را فردا فلان ساعت خواهم گفت. اگر مجبور شدید، بگویید نمی‌دانم. اگر مجبور نشدید، لزومی ندارد؛ بلکه بگویید: پاسخ به این سؤال شما را فردا می‌گویم.

• ۴. پاسخ ندادن به پرسش‌های غیرمناسب

همه سؤالات قابلیت پاسخ‌گویی ندارد. یک روایتی در اینجا هست که از آن روایات ناب است از امام صادق علیه‌السلام است: «ان من اجاب فی کل ما یسئل عنه لمجنون» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۱۷)؛ کسی که خودش را موظف ببیند، به همه سؤالات جواب بدهد، حتماً مجنون است؛ چون همه سؤالات جواب دادنی نیستند. برخی سؤالات برای این است که می‌خواهند، شما را گرفتار مسائل دیگر کنند؛ مثلاً می‌پرسند: زن می‌تواند رئیس‌جمهور شود یا نمی‌تواند؟

از بنده سؤال کردند و فقط یک کلمه گفتم؛ ملاک، عمل به قانون است. همین یک کلمه بنده را گرفتند و سی صفحه علیه بنده نوشتند. همین یک کلمه؛ هرچه قانون گفته است؛ چون قانون می‌گوید: رجل سیاسی باشد. بهتر این بود که می‌گفتم: سؤال بعدی شما کدام است؟ حتی این مقدار را آمدند و سی صفحه در برخی روزنامه‌ها علیه بنده نوشتند، با اینکه نگفتم، می‌شود یا نمی‌شود. پس بنابراین باید دقت کرد که برخی مسائل، مسائل پاسخ‌دادنی نیست.

• ۵. لزوم تخصصی بودن پاسخ‌ها

پاسخ دادن به سؤالات و شبهات تخصص می‌خواهد. سفره‌ای که پهن نشده است، جای ملامت ندارد؛ اما سفره ناقص جای ملامت دارد. همه ما متخصص هر عرصه‌ای نیستیم. می‌دانیم فلان مؤسسه در پاسخ به مسائل وهابیت، از مؤسسات دیگر برتر است. شماره تلفن این مؤسسه را داشته باشید و شبهاتی را که در این عرصه وجود دارد، از اینجا بپرسید. بنده گاهی نظرات حضرت آقا را از حجت‌الاسلام والمسلمین فلاح‌زاده می‌گیرم. اینکه بگویم چون رساله دست ماست، بنابراین همه مسائل را می‌دانیم، صحیح نیست. این، تخصص خودش را می‌خواهد؛ به‌خصوص اگر فتوای مرجعی را می‌خواهند، شماره تلفن بدهید و بگویید: از دفتر ایشان بپرسید.

مسائل سیاسی هم به‌همین شکل است؛ مثلاً برجام چه شد؟ نظر ایران در مورد پاسخی که آمریکا داده است، چیست؟ این یک سؤال سیاسی است. می‌گوییم: هنوز جواب نداده‌اند و اگر جواب هم داده‌اند، مستند می‌گویید: این است. به چه دلیل می‌گوییم تخصص می‌خواهد؟ به‌دلیل این دو آیه ﴿فاسألوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون﴾ (نحل ۴۳). گرچه این آیه مربوط به پیشگویی‌هایی که در تورات و انجیل از وجود نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شده است، بوده؛ ولی نمی‌توان به آن اختصاص داد. «ان القرآن حی لم‌یمت وانه یجری کما یجری اللیل والنهار وکما یجری الشمس والقمر». (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۳) دستورات قرآنی قام است و اختصاص به فرد و جریان خاصی ندارد؛ مگر دلیل داشته باشیم. اهل الذکر در هر مسئله‌ای کسی هست که معرفی و شناسایی شود و به اهل ذکر در آن مسئله ارجاع شوند. آیه دیگر آیه ۷ سوره انبیاء است.

• ۶. ارزش بالای پاسخ به شبهات

مطلب دیگر اینکه شبهه‌زدائی دینی، خدمتی بزرگ است. شبهه کدام است؟ در خطبه ۳۸ نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «انما سمیت الشبهة شبهة لانها تشبه الحق»؛ به شبهه، شبهه می‌گویند؛ چون شبیه حق است؛ یعنی باطلی است که لباس حق پوشیده است و متأسفانه ما در وسط این شبهات هستیم.

یکی در مقام بیان شرعی می‌گوید: خانم‌ها می‌توانند با لاک هم وضو بگیرند، مشکلی ندارد؛ به‌دلیل اینکه قرآن می‌فرماید: ﴿فاغسلوا﴾ (مائده ۶)؛ یعنی نظیف شوید. انصافاً خانمی که لاک زده است، نظیف‌تر است یا خانمی که لاک نزده است؟ «هذا مما یضحک به الثکلی»؛ یعنی این استدلال بسیار سست است. شخص با عمامه هم می‌گوید که مردم بیشتر اغوا شوند. اینجا همه باید او را با بارانی از جواب پاسخ دهند. کل فقها از شیعه و اهل سنت گفته‌اند: آب باید به پوست برسد. این خانمی که لاک زده است و وضو می‌گیرد، آب به پوست و سطح ناخن نمی‌رسد. یا شخصی می‌گوید: نجاست سگ دلیلی ندارد. کل فقهای شیعه و اهل سنت گفته‌اند: «ومن النجاسات: الکلب»؛ می‌گوید: در قرآن نیامده است. این شبهه مثل شبهه مخالفان مولا علی علیه‌السلام است که می‌گویند: چرا اسم مولا علی علیه‌السلام در قرآن نیامده است؟ امام صادق علیه‌السلام در جواب فرمودند: مگر همه چیز در قرآن آمده است؟ قرآن کلیات را بیان می‌کند. ما ده هزار فرع فقهی داریم که تعداد زیادی از آن مربوط به نماز است. در قرآن می‌گوید: ﴿اقم الصلاة لدلوک الشمس الی غسق اللیل وقرآن الفجر انّ قرآن الفجر کان مشهودا﴾؛ (اسرا ۷۸) پنج وعده نماز را در قرآن اشاره کرده؛ اما این همه احکام در قرآن آمده است؟ خیر

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «انی تارک فیکم الثقلین ما ان‌تمسکتم بهما لن‌تضلوا بعدی کتاب‌الله وعترتی اهل بیتی»؛ (دیلمی، ارشادالقلوب ج ۱، ص ۱۳۱) اصلاً عترت علیهم‌السلام برای همین است. حرمت سگ در قرآن نیامده است؛ پس سگ پاک است. این را عمامه‌به‌سر می‌گوید و چه کثافت‌کاری‌هایی به دنبال آن انجام می‌شود. خانم چادری می‌آید و سگ را می‌بوسد و سگ را می‌شوید، برای اینکه این اغواگری را جا بیندازد. از طریق آیه در مورد حرمت خمر تشکیک می‌کند. ﴿لاتقربوا الصلاة وانتم سکاری﴾؛ (نسا ۴۳) اما خداوند در جای دیگر گفته است ﴿انما الخمر والمیسر والانصاب والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه﴾؛ (مائده ۹۰) قرآن تصریح به حرمت خمر دارد؛ لذا این‌گونه سخن گفتن‌ها، ناشی از بی‌سوادی است.

مقصود من آن است که «انما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع واحکام تبتدع یخالف فیها کتاب‌الله» (نهج‌البلاغه: خطبه۵۰) منشأ فتنه و فسادها (در میان مردم)، پیروی از خواهش‌های نفس است و احکامی که برخلاف شرع صادر گردد، کتاب خدا (قرآن کریم) با آن خواهش‌ها و حکم‌ها مخالف است.

پس به شبهه‌ها آن هم در عرصه دینی، عنایت ویژه داشته باشید. آنها که ضد دین می‌گویند، دائماً در فضای مجازی مطرح هستند. چرا شما که از دین و در عرصه دفاع از دین می‌گویید، منزوی باشید و مطرح نباشید؟ کشور و انقلاب، انقلاب متدینین است.

• ۷. عدم القای شبهه جدید از سوی پاسخ‌گو

در پاسخ به شبهات خودمان، شبهه ایجاد نکنیم. عرصه پاسخ به سؤالات عرصه درس نیست که شما بگویید «إن قلت، قلت». إن قلت بی‌دلیل شما، موجب دردسر می‌شود. ما در شورای نگهبان، گاهی یک مصوبه‌ای می‌بینیم که اشکال دارد و حاشیه آن چند تا اشکال دیگر هم است. آن مقداری را که او سؤال کرده است، جواب بدهیم؛ بیشتر از آن، چه‌بسا شبهه را گسترده‌تر می‌کند. مراجع عالی‌قدر وقتی استفتائاتی از آنها می‌شود، گاهی پاسخ ایشان دو کلمه است؛ بسمه تعالی جایز نیست یا جایز است. همه مراجع این‌چنین هستند. سعی می‌کنند به حداقل مایمکن اکتفا کنند. بنابراین اگر ادامه دادیم، چه‌بسا شبهه جدید ایجاد کرده‌ایم.

• ۸. اهمیت و جذابیت جلسات پرسش و پاسخ

گاهی تمام جلسه پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله پرسش و پاسخ بود. این روایتی که می‌گویم، در «باب الحب والبغض» کتاب اصول کافی (کلینی، الکافی، ج ۲، ص۱۲۴) است. پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد بالای منبر پرسید: «أی عری الایمان اوثق»؛ کدام‌یک از دستگیره‌های ایمان مطمئن‌تر است؟ یکی گفت: نماز، پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از نماز گفت و تجلیل کرد و فرمود: یک دستگیره محکم‌تر هم هست. یکی گفت: روزه، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از روزه و عظمت روزه تجلیل کرد و فرمود: مهم‌تر از آن هم هست، تا اینکه خود پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «ولکن اوثق عری الایمان، الحب فی‌الله والبغض فی‌الله»؛ (کلینی،الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶) از نماز گفته است، از روزه گفته است و مهم‌ترین دستگیره ایمان را هم پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است.

جلسات پرسش و پاسخ به‌خصوص برای جوانان بسیار جلسات جذابی است. یک بار به یک پادگانی که سه هزار جوان داشت، رفتم. گفتم: پرسش و پاسخ هرچه می‌خواهید، بپرسید. منتها یک تعهدی هم از مسئول حفاظت آن پادگان گرفتم که این برگه‌ها را از من نخواهید؛ چون داخل برگه‌ها مطالبی می‌نویسند که گاهی توهین‌های آبدار به گوینده و مسؤلان است. اینها اگر احساس امنیت کنند، سؤالات خودشان را مطرح می‌کنند. احساس امنیت نکنند، سؤالشان را طرح نمی‌کنند؛ لذا مسؤل حفاظت آنجا قول داد، برگه‌ها را نگیرد. بعضی از این سؤالات، سؤالات تندی به‌خصوص علیه گوینده بود. من آن سؤالات را با آب و تاب می‌خواندم. گفتند: شما چرا این کار را می‌کنید؟ لطفا این برگه را به ما بدهید. اینجا یک سوژه است. گفتم: من از شما قول گرفتم که این سوژه‌ها را به شما ندهم؛ وانگهی شما چه نگرانی دارید؟ شبهه بادکنک است این بادکنک اینجا مطرح می‌شود، یک سوزن به این بادکنک می‌خورد و با آن خالی می‌شود؛ اما اگر ما چیزی نگوییم، باد این بادکنک خالی می‌شود؟ نه می‌آید در جلسات گعده‌ای خویش و قومی حرفی می‌گوید. باد بادکنک باید خالی شود. شبهه حکم بادکنک را دارد. سه ساعت این همه جمعیت جوان نشستند و کسی سر خودش را این‌طرف و آن‌طرف هم نکرد؛ به‌علت جاذبه‌ای که پرسش و پاسخ داشت.

به هر حال شما در میان مردم تابلوی حوزه هستید و خداوند به شما عنایت کند که در این عرصه بتوانید موفق باشید. ان‌شاءالله

منبع: مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه

فراخوان بیست وپنجمین همایش کتاب سال حوزه

بیست‌وپنجمین همایش کتاب سال و هفتمین جشنواره مقالات علمی حوزه فراخوان شد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، بیست‌وپنجمین همایش کتاب سال و هفتمین جشنواره مقالات علمی حوزه فراخوان شد.

این فراخوان شامل موارد زیر است:

- کتاب‌های چاپ اول حوزویان در سال ۱۴۰۱؛
- پایان‌نامه‌های سطح۴ (دکتری) دفاع‌شده در سال ۱۴۰۱؛
- مقالات علمی پژوهشی و علمی ترویجی حوزویان که در سال ۱۴۰۱ در نشریات علمی منتشر شده است.

مهلت ارسال آثار: پایان اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

ثبت‌نام اینترنتی: bookr.ismc.ir

تلفن: ۰۲۵۳۳۱۳۳۶۰۳؛ ۰۲۵۳۳۱۳۳۶۰۴؛ ۰۲۵۳۳۱۳۳۶۰۵

شعر

چو نیکی کنی، نیکی آید برت

حکیم فردوسی

نباشد همی نیک و بد پایدار — همان به که نیکی بود یادگار
دراز است دست فلک بر بدی — همه نیکویی کن اگر بخردی
چو نیکی کنی، نیکی آید برت — بدی را بدی باشد اندر خورت
چو نیکی نمایدت کیهان‌خدای — تو با هر کسی نیز، نیکی نمای
مکن بد، که بینی به فرجام بد — ز بد گردد اندر جهان، نام بد
به نیکی بباید تن آراستن — که نیکی نشاید ز کس خواستن
وگر بد کنی، جز بدی ندروی — شبی در جهان شادمان نغنوی
نمانیم کین بوم ویران کنند — همی غارت از شهر ایران کنند
نخوانند بر ما کسی آفرین — چو ویران بود بوم ایران زمین
دریغ است ایران که ویران شود — کنام پلنگان و شیران شود

یادداشت

گل عفاف

استاد جواد محدثی

هیچ باغبانی را سرزنش نمی‌کنند که چرا دور باغ خود حصار و پرچین کشیده است، چون باغ بی‌دیوار، از آسیب مصون نیست و میوه و محصولی برای باغبان نمی‌ماند.

هیچ‌کس هم با نام «آزادی» دیوار خانه خود را بر نمی‌دارد و شب‌ها درِ حیاطش را باز نمی‌گذارد، چون خطر رخنه دزد، جدی است.

هیچ صاحب گنج و گوهری هم جواهرات خود را بدون حفاظ، در معرض دید رهگذران نمی‌گذارد تا بدرخشد، جلوه کند و چشم و دل برباید، چون خود جواهر ربوده می‌شود. هر چیز که قیمتی‌تر باشد، درصد مراقبت از آن بالاتر می‌رود. هر چه که نفیس‌تر باشد، بیم ربودن و غارت بیشتر است و مواظبت، لازم‌تر.

اگر در شیشه عطر را باز بگذارید، عطرش می‌پرد.

اگر رشته مرواریدت را در کمد و صندوق نگذاری و در آن را نبندی، گم می‌شود.

اگر در مقابل پنجره خانه‌ات، توری نزنی، از نیش پشه‌ها و مزاحمت مگس‌ها در امان نخواهی بود. وقتی راه ورود پشه‌ها را می‌بندی، خود را «مصون» ساخته‌ای، نه «محدود» و زندانی.

وقتی در خانه را می‌بندی، یا پشت پنجره اتاقت پرده می‌آویزی، خانه خود را از ورود بیگانه و نگاه‌های مزاحم در پناه قرار داده‌ای، نه که خود را در قید و بند و حصار افکنده باشی.

اگر برای ایمنی از خطرها و آسودگی از مزاحمان، خود را بپوشانی، نه کسی ایراد می‌گیرد و نه اگر هم ایراد بگیرد، اعتنا می‌کنی، چرا که سخنش را بی‌منطق و ناآگاهانه می‌دانی و می‌بینی.

اینکه «دل باید پاک باشد»، بهانه‌ای برای گریز جاهلانه از همین مصونیت است و آویختن به شاخه «لاقیدی» وگرنه از دل پاک هم نباید جز نگاه و رفتار پاک برخیزد. ظاهر، آینه باطن است و... «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

زن، به خاطر ارزش و کرامتی که دارد، باید محفوظ بماند و خود را حراج نکند و در بازار سوداگران شهوت، خود را به بهای چند نامه و نگاه و لبخند نفروشد.

زن به خاطر لطافتی که دارد، نباید در دست‌های خشن کامجویان دیو سیرت، که نقاب مهربانی و عشق به چهره دارند، پژمرده شود و پس از آن که گل عصمتش را چیدند، او را دور اندازند، یا زیر پاشان له کنند. زن به خاطر عصمتی که دارد و میراث‌دار پاکی مریم است، نباید بازیچه هوس و آلوده به ویروس گناه گردد. گوهر عفاف و پاکی، کم ارزش‌تر از طلا و پول و محصول باغ و وسایل خانه نیست. دزدان ایمان و غارتگران شرف نیز فراوانند.

سادگی و خامی است که کسی خود را در معرض دید و تماشای نگاه‌های مسموم و چشم‌های ناپاک قرار دهد و به دلبری و جلوه‌گری بپردازد و خیال کند بیماردلان و رهزنان عفاف را به وسوسه نمی‌اندازد و از زهر نگاه‌ها و نیش پشه‌های شهوت در امان می‌ماند!

خراب کردن همه دیوارها و برداشتن همه پرده‌ها و بازگذاشتن همه پنجره‌ها، نشانه تیره‌اندیشی است، نه روشن‌فکری! علامت جاهلیت است نه تمدن!

می‌گویی نه؟ به طومار کسانی نگاه کن که پس از رسوایی و بی‌آبرویی، با دو دست پشیمانی بر سر غفلت خویش می‌زنند و بر جهالت خود لعنت می‌فرستند.

کسی که از «جماعت رسوا» نگریزد «رسوای جماعت» می‌شود!

آنکه ایمان را به لقمه‌ای نان می‌فروشد، آنکه یوسف زیبایی را با چند سکه قلب عوض می‌کند، آنکه «کودک عفاف» را جلوی صدها گرگ گرسنه می‌برد و به تماشا می‌گذارد، روزی هم «پشت دیوار ندامت» اشک حسرت بر دامن پشیمانی خواهد ریخت، در آخرت هم به آتش بی‌پروایی خود خواهد سوخت.

از اول که جامه عفاف سفید و شفاف است، نباید گذاشت چرکابه گناه بر آن بپاشد. از اول باید مواظب بود این کاسه چینی نشکند و این جام بلورین ترک بر ندارد.

از اول نباید به پای بیگانه، اجازه ورود به مزرعه نجابت داد، که بوته‌های نورَس عصمت را لگدمال کند. ولی... گریه بی‌حاصل است و بی‌ثمر، وقتی که شاخه شکست و گل چیده شد!!